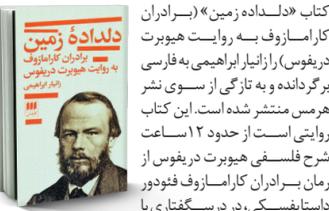


نقد ادبی

### دل‌داده زمین



کتاب «دل‌داده زمین» (برادران کارامازوف به روایت هیوبرت دریفوس) را زائیار ابراهیمی به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی نشر هرمس منتشر شده‌است. این کتاب روایتی است از حدود ۱۲ ساعت شرح فلسفی هیوبرت دریفوس از رمان برادران کارامازوف فتودور داستایفسکی، در درسگفتاری با

عنوان یادشده که به سال ۲۰۰۷ میلادی، ۱۰ سال پیش از درگذشت او ارائه شده‌است. آنچه خواهید خواند، به‌همچ و تقریر طابق اللغ با نعل سخنان او در این درسگفتار نیست. در آوردن قالب شفاهی به قالب مکتوب، لاجرم مستلزم جرح‌وتعدیل و در مواردی حذف‌واضافه‌هایی است که کتاب حاضر را در معنای دقیق کلمه به روایتی از روایت دریفوس تبدیل می‌کند.

هیوبرت دریفوس (زاده ۱۵ اکتبر ۱۹۲۹–۲۲ آوریل ۲۰۱۷) فیلسوف آمریکایی و استاد فلسفه در دانشگاه برکلی در کالیفرنیا بود. دریفوس در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۹ در تو را اوت، ایندیانا متولد شد و از دانشگاه هاروارد مدرک پی‌اچ‌دی در ریافت کرد. کتاب‌هایی در زمینه فلسفه هایدگر از معتبرترین کتب درسی هستند.

زمینه‌های مطالعاتی او دربرگیرنده پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، فلسفه روانشناسی و فلسفه ادبیات است. از

مناظرین زمینه‌های تحقیقاتی دریفوس می‌توان به بررسی مفاهیم فلسفی هوش مصنوعی اشاره کرد. دریفوس به تفسیر متون فیلسوف آلمانی مارتین هایدگر معروف شده‌است که نادقان آن را دریدگر می‌نامند. شماری از دانشجویان او در دانشگاه‌های پیشرو در زمینه فلسفه دارای موقعیت استادی هستند.

انتشارات هرمس این کتاب ۲۴۱صفحه‌ای را به بهای ۸۶هزار تومان منتشر کرده‌است.

ادبیات داستانی

### زنگ آهین و شبی که مرد



«زنگ آهین و شبی که مرد» نوشته «ایزاک آسیموف» را سیده مینا لژی به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی انتشارات ققنوس در قالب مجدهمین مجموعه پانزاسمای این ناشر منتشر شده‌است. «مجموعه پانوراما» به‌دنبال بهره‌مندی آسان خواننده مشتاق از ادبیات جهان است. این مجموعه بهترین و خواندنی‌ترین های ادبیات جهان را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، درست مانند آنچه مجموعه‌های همچون پانوراما در انتشارات گالیلیم محقق ساخت؛ قرار دادن داستان یا رمان‌های کوتاه یا بخش‌هایی از رمان‌های چندجلدی و گرانبها در دسترس همگان. گروه انتشاراتی ققنوس هم پس از بررسی اهداف مجموعه مذکور بر آن شد که چنین امکانی را برای مخاطبان فارسی‌زبان فراهم کند.از این‌وون انتشارات گالیلیم را از تصمیم خود مطلع کرد. در حال انتشارات ققنوس، افزون بر گرفتن اجازه انتشار آثار فرانسوی، قصد دارد آثار ارزشمند دیگری نیز به این مجموعه اضافه کند. تا به حال از این مجموعه سرزمین غریب، آزمایش دکتر آکس، پدرم، رستوران نقاشی، خواندن در توالت، مسافر خانه سرخ و فلسفه زندگی ناشومی به چاپ رسیده‌است و فیدر یا شوهر متمول، گر به مادر، ابریشمی گل‌برجسته، بانو آمالیا و… منتشر شده‌است.انتشارات ققنوس این کتاب ۸۴صفحه‌ای را در قطع پالتویی به بهای ۲۸هزار تومان منتشر کرده‌است.

مجموعه داستان

### قتل‌های آبرومندانه

«قتل‌های آبرومندانه» نوشته «ری بردبری» را رانوز صفری به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی انتشارات ققنوس در قالب نوزدهمین جلد از مجموعه پانارامای این ناشر منتشر شده‌است. این مجموعه دربرگیرنده ۵داستان کوتاه از ری بردبری است. با عناوین اوتنر در زیبوت دکتر،

فینگان، قتل‌های آبرومندانه، سریع‌تر از چشم و تبادل مترجم در توضیح نام «اوتنر در زیبوت» در پانویس صفحه نوشته‌است: «اوتنر در زیبوت به‌معنای قایق زیرآبی است. این کلمه در آلمانی برای هر نوع زیر دریایی به‌کار برده می‌شود اما زیر دریایی‌های آلمان در ۲ جنگ جهانی اشاره دارد. این داستان قتل‌های آبرومندانه از این مجموعه جلدین شروع می‌شود:

جاشوا اندربای نیمه‌های شب به دلیل احساس فشار انگشت‌های کنسی روی گلویش از خواب بیدار شد.

در تاریکی غلیظ بالای سرش می‌توانست بدن نجیف و استخوانی همسرش را، نه اینکه ببیند، روی سینه‌اش حس کند، درحالی‌که او دست و پا می‌زد و بارها و بارها انگشتان لرزشش را دور گردن او گره کرد. چشمانش را کاملاً باز کرد. فهمید قصد همسرش چیست. چنان احمقانه بود که او با صدای بلندی زد زیر خنده!

همسر زن از زردبوی هشتادوپنج‌سال‌ش تلاش می‌کرد او را خفه کند…

انتشارات ققنوس این مجموعه داستان ۹۵صفحه‌ای را در قطع پالتویی به بهای ۳۲ هزار تومان منتشر کرده‌است.

## فرهنگ



عاشورا اثر محمد منیر

# آنچه از دست هر کس ساخته نیست

نقاشی قهوه‌خانه‌ای جریانی کم و بیش یگانه در هنر معاصر ایران به‌حساب می‌آید



نکات فراوانی را در مورد نقاشی قهوه‌خانه‌ای دریافت‌که هم شامل جنبه‌های زیبایی‌شناختی آثار می‌شود و هم جنبه‌های مضمونی. نقاشان قهوه‌خانه معمولاً بر حسب سفارش سفارش‌دهنده کار می‌کردند و اطلاق عنوان «نقاشی قهوه‌خانه» نیز تا حد زیادی ناشی از همین موضوع است که عمده سفارش دهندگان اولیه این نقاشی‌ها، مالکان قهوه‌خانه بودند که به دلایل متعددی این آثار را به هنرمندان قهوه‌خانه‌ای سفارش می‌دادند.

نخستین دلیل، آراستن دیوارهای قهوه‌خانه بود. این سفارش‌ها طبعاً باید به کام مشتری‌ها و خود قهوه‌چی‌ها خوش می‌آمد. از همین‌رو می‌توان مضامین آثار را هم مطالعه و بررسی کرد. به واقع آثار قهوه‌خانه‌ای بیانگر بساور و علایق قهوه‌چی و مشتری‌ی‌ها بود و از همین منظر آثار نقاشی شده غالباً مضامین مذهبی و حماسی داشتند. به این ترتیب است که بیشتر پرده‌های موسوم به «مصیبت کربلا» که وصفش در ابتدای همین نوشته آمد، بیشتر بر جنبه‌های حماسی قیام کربلا تأکید داشتند و اولیا را حین رزم نمایش می‌دادند.

اما این شکل نمایش دلیل دیگری می‌داشت؛ نقالی که گویا در قهوه‌خانه‌ها برقرار و مورد پسند بوده تا حد زیادی جزئیات پرده‌ها را بر ما عیان می‌کنند؛ از جمله ماهیت روایی پرده‌ها، جنبه‌های حماسی و گنج‌نشدن محتوای‌از روایت‌ها و رخدادها در یک قاب. تقریباً عمده پرده‌های قهوه‌خانه‌ای، چه آنها که به عاشورا مربوط می‌شوند و چه آنها که داستان‌های شاهنامه را روایت می‌کنند، نقاشی با ساختن قاب‌های

متعدد در یک پرده، روایت را از ابتدا تا انتها تعریف می‌کند. نمونه‌ای از این پرده‌های روایی را می‌توان در پرده‌های «چوان مرد قصاب»، پرده‌های روایتی زندگی «مسلم ابن عقیل» و «دو طفلان مسلم» و گاه در پرده‌هایی دید که خروج امام حسین(ع) از

مدینه تا روز عاشورا را روایت می‌کنند. این پرده‌ها بیش از باقی نمونه‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای بر ماهیت روایی این سنت تأکید می‌کنند و رابطه قهوه‌خانه سفارش‌دهنده، مشتری‌ان قهوه‌خانه و نقاش را نمایش می‌دهد.

نمایش تمثال اولیا، از همین‌ها مشخصی تبعیت می‌کردند؛ این تمثال‌ها معمولاً حالتی را نمایش می‌دهند که نشانگر ارادت نقاش، سفارش‌دهنده و مشتری‌ان قهوه‌خانه به اولیا است. در سوی دیگر، نقاشان معمولاً دیگر چهره‌ها را با حالتی نقاشی می‌کردند که نمونه‌اش در ابتدای همین نوشته و در نحوه نمایش اشقیای توصیف‌شد. تمثال اولیا معمولاً باهالهای به رنگ زرد نمایش داده می‌شده. در مورد نقاشی کردن هاله زربن به دور سر اولیا، نظریات متعددی وجود دارد. چون این سنت که نشانگر قداست بوده در نقاشی نیزآسی و بعدتر در نقاشی مذهبی اروپایی هم دیده‌شده. اما براساس چند نظریه، این سنت احتمالاً ابتدا در ایران ظاهر شده و بعدتر به سنت‌های بصری گوناگون راه یافته‌است. اما فارغ از این، نقاشان قهوه‌خانه معمولاً از این جنبه‌ها در نمایش تمثال اولیا استفاده می‌کردند. شیوه نمایش تمثال اولیا را به اسماعیل جلیز نسبت می‌دهند. اسماعیل جلیز، نقاش دوره فتحعلی‌شاه قاجار بود که گاه بنیانگذار این سنت خوانده شده که «خیالی‌سازی» خوانده شده. نقاشان قهوه‌خانه تقریباً در همه آثار در تصویر کردن تمثال اولیا از آموزه‌های اسماعیل جلیز تبعیت می‌کردند. این شیوه را می‌توان در تصویر کردن پرده‌های مرتبط با عاشورا و پرده‌های دیگری مشاهده کرد که شهادت امام(ض‌ع)، فتح قلعه خیبر یا دیگر مضامین مذهبی را نمایش می‌دادند.

هر چند این شیوه و تأسی از سنت‌های بصری را می‌توان کم‌وبیش در پرده‌های حماسی هم مشاهده کرد که معمولاً داستان‌های شاهنامه را

روایت می‌کنند. با این حال در پرده‌های شاهنامه در نمایش چهره قهرمانان شاهنامه گاه اندکی اغراق دیده می‌شود. اما در نمایش تمثال اولیا نقاش معمولاً از هر نوع اغراقی حذرمی‌کرده.

هر چند -آنطور که ذکر شد- بسیاری از پرده‌های عاشورایی وجوه حماسی داستان عاشورا را به نمایش می‌گذاشتند، اما از طرف دیگر در بسیاری از پرده‌ها که نمونه‌اش را در بین نقاشی‌های پشت شیشه هم می‌توان دید، امام حسین(ع) به‌صورت تک‌نقاشی شده که گاه حضرت علی‌اصغر را در آغوش گرفته‌است.

در این آثار که حسن‌وحال سوگوارانه‌تری به نسبت پرده‌های بزرگ‌تر و برکات‌تر دارند، گاه جزئیات هم کمتر به نمایش درمی‌آیندند تا حضرت امام حسین(ع) را تنها در میانه پرده ببینیم. در این آثار شهادت حضرت علی‌اصغر معمولاً با نمایش تری‌هایی که به سینه‌اش خورده، تصویر می‌شود. در نقاشی‌های پشت شیشه معمولاً جزئیات به حداقل می‌رسید و به جای جزئیات روایی، عناصر بصری گوناگون فضای بصری را شکل می‌دهد که حسی میان سوگواری می‌کند و از سوی دیگر بزرگی و قداست امام حسین(ع) را به شکل ژامان نمایش می‌دهد.

ببیننده در مقابل این آثار معمولاً مسحور رنگ‌ها و جلوه ساده صحنه‌ای می‌شود که نقاش با ارادت و خلوص برای سفارش‌دهنده کشیده‌است. پس همان‌قدر که آثار ذکر شده در ابتدا صلابت و شکوه را نمایش می‌دهند، آثار بعدی نشان از سوگواری و اندوه دارند. پس شاید ببیننده با تعقیب تنها چند پرده از ده‌ها پرده مذهبی قهوه‌خانه، حسی‌های گوناگون نقاشان و سفارش‌دهندگان را در یابد که با تمایش این آثار همه‌باورهایشان را به چشم می‌دیدند و این کاری‌است که از دست هر هنرمند ساخته نبوده و نیست و در کمتر سنتی این‌چنین بارها تکرار شده‌است.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>انتشار کتابی برای آشنایی با ادبیات معاصر عرب</div></div></div>	
<b>منبعی غنی و معتبر</b>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل چهارم: «شعر نومی عربی» نوشته سلمی الخضراء الجیوسی سعدالبازعی.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل پنجم: «غاز داستان عربی» نوشته راجر آلن، لمیاء باغشن.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل ششم: «مان عربی تکامل یافته در خارج از مصر» نوشته راجر آلن محمد القویقلی.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل هفتم: «مان مصری از زینب تا سال ۱۹۸۰» نوشته هیلاری کیلباترک، حسن النعمی.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل هشتم: «داستان کوتاه» نوشته صبری حافظ، عبدالعزیز السبیل.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل نهم: «ماشنامه عربی» نوشته محمد مصطفی بدوی، ابتسام صادق.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل دهم: «تئاتر عربی» نوشته علی الراعی، صالح الغامدی.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل یازدهم: «نثر نویسان» نوشته (پیر) بیهیر کاکیا، عفت خوئیر.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل دوازدهم: «نقدان» نوشته (پیر) بیهیر کاکیا،سعاد المانع.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل سیزدهم: «نویسندگان زن عرب» نوشته مریم کوک، ایوبکر باقادر.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>فصل چهاردهم: «شعر عربی عامیانه» نوشته مارلین بوث، عبدالله العقیل، سالم خماش.</div></div></div>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>در بخشی از فصل «غاز داستان عربی» چنین آمده‌است: «جامعه مسیحیان سوریه و لبنان، ارتباطی دائم با واتیکان از طریق کلیسای مارونی داشت. از کشیش جرمانوس فرحات (۱۷۳۲ - ۱۶۷۰) به‌عنوان نخستین کسی که توجهات عمومی را به ارزش‌ها و نیز به لزوم تحول زبان عربی برانگیخته‌است و آثار فراوانی هم در شعر و نحو نوشته، بسیار نام برده می‌شود. از جمله افرادی که در پی او رفتند، بطرس بستانانی (۱۸۱۹ - ۱۸۸۲) است که به پروژه ترجمه انجیل به عربی، از سوی کلیسای پروتستان همت گمارد و تلاش بسیاری کرد تا توجهات را به زبان عربی جلب کند. اما نااصف یازجی (۱۸۰۰ - ۱۸۷۱) است که به‌عنوان پیشگام فرایند بازنگری در آثار سنتی ادبیات عرب شناخته می‌شود و خود با خواندن نسخه فرانسوی مقامات حریری (- ۱۰۵۴ - ۱۱۲۲) - با این نوع از ادبیات آشنا و انگیزه تقلید از آن در وی ایجاد شده و سپس مقامات خویش را با عنوان «مجمع البحرین» (۱۸۵۶) نوشته است، همچنین یک</div></div></div>	

## همیشه‌پری

یادداشت

جمال رهنمایی: روانشناس تحلیلی

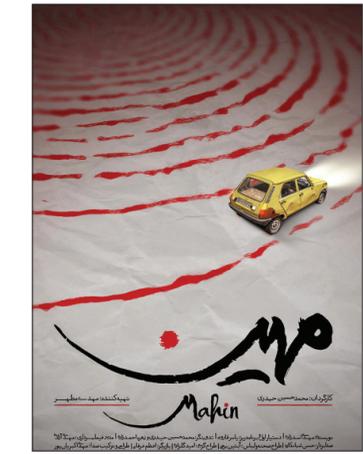
### پایان مهین؛ منحصر به فردترین پرونده جنایی ایران

قتل‌های سریالی، اصطلاحی است که برای جنایاتی برنامهریزی شده و مشابه به‌کار می‌رود. این مدل تبهکاری از آنجا که تبعاتی فراتر از افراد و خانواده‌ها دارد و معمولاً شهرها و حتی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در سال‌های گذشته بیشتر مورد توجه دانشمندان، فعالان اجتماعی، نویسندگان و سینماگران قرار گرفته‌است. این نوع بزهکاری ریشه در شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد و به نوبه‌خود ریشه این شرایط نیز هست.

فیلم مستند «مهین» که به ماجرای واقعی نخستین و تنها قاتل سریالی زن در تاریخ ایران پرداخته، یکی از اتفاقاتی است که در همین راستا شکل گرفته‌است. قتل مکرر و مشابه زنان مسن در شهر قزوین، پلیس را درگیر ماجرای پیچیده‌ای می‌کند که امنیت شهر را به مخاطره انداخته‌است. با توجه به تداوم قتل‌ها و افزایش حساسیت عمومی، پلیس آگاهی تهران پرونده را به‌دست می‌گیرد. هوشیاری قاتل تلاش‌های پلیس را ناگام گذاشته تا هوشیاری یکی از طعمه‌ها، افق‌های تازه‌ای روی پلیس گشوده و او در مدت کوتاهی دستگیر می‌شود. ابعاد ماجرا و انگیزه‌های مهین برای ارتکاب قتل حیرت‌آور است. او مادر ۲فرزند است که برای تأمین هزینه‌های ۲ دختر خود که یکی از آنها معلول و نیازمند داروهای کمیاب است و پرداخت سود بدهی‌های خودش و همسرش که به اعتیاد سنگین مبتلا شده دست و شکار و قتل زنان شهر زده‌است.

مهین در امامزاده‌ها زنان تنها را هدف قرار می‌دهد و با مهریانی به آنها نزدیک شده و به بهانه کمک آنها را به قتل رسانده و اشیای گرانبهای ناچیز آنها را به سرقت می‌برد. فیلم دارای صحنه‌هایی مستند از بازجویی و بازسازی صحنه‌های جرم توسط قاتل واقعی است که به خوبی و بجا از آنها استفاده شده‌است. استفاده از صحنه‌های واقعی یکی از نقاط برجسته و متمایزکننده این مستند است که آن را به یک اثر جسورانه و قابل اعتنا در ژانر مستند و جنایی ایران تبدیل کرده‌است.

ماجرای این فیلم از ۲ زاویه قابل تحلیل است. از یک نگاه مهین مادری قربانی، مستاصل و درمانده است که مناسبات بی‌رحمانه عقادای تورم و سود بدهی‌هایش، بیماری فرزند و شوهر معناد او را به دام جنایت انداخته‌است. و همانگونه که خودش می‌گوید سالمدندان را با این توجیه عجیب که آنها دیگر عمرشان را کرده‌اند به‌عنوان قربانی خود انتخاب کرده‌است. این توجیه به هیچ عنوان نمی‌تواند دلیل قتل انسان‌های دیگر باشد اما بی‌توجهی به بحران‌های اجتماعی که زمینه‌ساز بروز این شرایط شده نیز به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.



پژوهش‌های علمی به‌خوبی ارتباط مستقیم میان شرایط نامطلوب اجتماعی و شدیدترین اختلالات روانی از قبیل اسکیزوفرنیا، افسردگی و اختلال شخصیت ضداجتماعی را نشان داده‌اند. بسته به میزان تاب‌آوری و شدت بحران‌های اجتماعی و تیپ شخصیت همه ما می‌توانیم در معرض چنین آسیب‌خوردن و آسیب‌رسانی‌هایی قرار بگیریم. از یک نگاه دیگر ذات خیر و شر آدمی در این فیلم به‌خوبی در کنار یکدیگر مشاهده می‌شوند.

۲شخصیت متفاوت، مادری مهربان و فداکار که برای نگهداری از فرزندانش خودش را در شرایط بسیار خطرناکی قرار داده و زنی بی‌رحم که همنوع‌ش به‌خاطر مالیاتی اندک که با توجیهی عجیب برای همیشگی از نعمت زندگی محروم می‌کند تا زندگی را برای خودش و فرزندانش ممکن‌سازد هر دو در انسانی معمولی یک‌جا وجود دارند. این شاید یکی از بهترین تصویرهای همنیشینی و همزیستی خیر و شر در همه انسان‌ها باشد که مجموعه‌ای از عوامل فردی و عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی انجام چنین رفتارهای جنون آمیز و ضداجتماعی را پیدا می‌کند درحالی‌که هزاران انسان دیگر در شرایطی کامیاش مشابه‌خودشان را مجاز به انجام چنین رفتارهایی نمی‌دانند، از شخصیت منحصر به فرد این نمونه‌ها خبر می‌دهد که از بیرون با چنین رفتارهای خشنی مشاهده می‌شوند. برای بهتر دیدن درون روان این افراد منحصر به فرد بهترین راه بررسی و واکاوی روان آزار دیده و آزاررسان آنهاست.

این مهم‌ترین بهره‌برداری علمی و اجتماعی گمشده‌ای است که بارها و بارها در پرونده‌های جنایی کشور نادیده گرفته شده‌است. مهین هم برای بسته‌شدن یک پرونده در دسر‌ساز و پرسروصدا به دار مجازات او یخته‌شد و این پرونده نیز مانند سایر پرونده‌های مهم در حالی که منحصر به فردترین پرونده قتل‌های سریالی در ایران بود برای همیشه به باگانی سپرده شد. گفته‌های روانشناس حاضر در فیلم نشان می‌داد که او نیز به مهین دسترسی نداشته و تنها براساس بازجویی‌هایی که بعدها مشاهده کرده بود، بخش‌هایی از شخصیت پیچیده مهین را تحلیل می‌کرد.